

اندیشه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی پیرامون انحطاط مسلمانان و انقلاب مشروطیت ایران

هدف ما از فراهم کردن این مقاله عبارت است از:

- ۱- بررسی سرگذشت و سپس‌اهمیت یکی از رساله‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی معروف بافغانی در باره مسأله انحطاط جامعه‌های اسلامی .
- ۲- بحثی کوتاه پیرامون بسنگی فکری افغانی با انقلاب مشروطیت ایران تا آنجائیکه بدان رساله مربوط می‌باشد .
- ۳- برای نخستین بار انتشار توافم دو بخش از همان رساله سید که تا کنون از یکدیگر جدا مانده بوده است ، همراه با تصحیح‌های لازم .

یکی از موضوعاتی که اندیشه‌گران دنیای اسلام در قرن ۱۹ مورد بحث و بررسی قرار میدادند مسأله عقب‌افتادگی جامعه‌های اسلامی و کوشش در راه زنده گردانیدن مجد و عظمت گذشته بود . سید جمال‌الدین اسدآبادی البته از جمله آن اندیشه‌گران بشمار میرفت . ولی بنظر ما افکار سید جمال در این موضوع و موضوعات دیگر هنوز خالی از ابهام نیست و این ابهام شاید تا اندازه‌ای باین دلیل باشد که او هم کم نوشت و هم در نوشته‌هایش یکنواختی وجود ندارد و در بردارنده ضد و نقیض‌های چندی است . یکی از رساله‌های نسبتاً گم نام و شهرت او " چرا اسلام ضعیف شد؟ " است و همچنانکه از عنوان آن بدست می‌آید پیرامون عقب ماندگی جامعه‌های اسلامی نوشته شده است .

این رساله دارای دو بخش بوده که تنها بخش اول آن مورد بحث و بررسی دانش پژوهان علاقمند باین موضوع قرار گرفته است . بخش اول رساله در مجله تذکر در ۳ شماره پی در پی چاپ شده (۱۵ شهریور ۱۳۰۱ شمسی ، صفحات ۷۶- ۷۹ ، ۱ مهر ۱۳۰۱ ، صفحات ۱۰۵- ۱۰۷ ؛ ۱۸ مهر ۱۳۰۱ ، صفحات ۱۳۸- ۱۴۰) . در پایان پاره سوم از این بخش از رساله (صفحه ۱۴۰) مدیر مجله تذکر . حسین زیده . مینویسد :

" پس از آشنا شدن تاریخی محترم تذکر بطرز نگارشات فخرالحکما ، المتاء خربین مرحوم سید جمال‌الدین رحمه‌الله علیه ، اینک مبادرت به سئوالی را که یکی از علمای اهل هند از ایشان از حقیقت و رویه و مشی زمره طبیعیان نموده‌اند نموده و در نمرات آینده

هم انشاء‌اله جوابی که مرقوم فرموده‌اند بطور مسلسل از نظر عموم خواهیم گذرانید .^۱ ناشر مجله تذکر از شماره ۶ چاپ رساله مشهور سید جمال‌الدین که پیرامون "نیجریه" است آغاز میکند ولی با این دو تفاوت که اولاً "متن نامه شاگرد سید جمال‌الدین محمد و اصل ، مدرس ریاضی مدرسه اعزه حیدرآباد دکن " را که " مورخ ۱۹ محرم ۱۲۹۸ هجری نبوی قمری " بود نمی‌آورد و تنها باصل پاسخ سید جمال‌الدین که مطالب رساله نیجریه یا ناتورالیسم را تشکیل میدهد می‌پردازد^۲ . دوم آنکه همان عنوان "چرا اسلام ضعیف شد؟" را به غلط در بالای این سلسله مندرجات می‌گذارد . رساله "چرا اسلام ضعیف شد؟" ۱۱ سال پس از انتشارش در مجله تذکر از روی شماره‌های آن مجله در مجموعه‌ای از نوشته‌های افغانی دیگر بار بچاپ رسید^۳ و سپس بنقل از همین مجموعه در مجموعه‌ای دیگر از آثار سید جمال چاپ شده^۴ . همین رساله بزبان فرانسه نیز ترجمه گردید^۵ و نویسنده حاضر نیز همان بخش معروف از رساله را بانگلیسی برگردانید .^۵ ولی در خلال ترجمه آن بدین نکته برخوردیم که افغانی در این رساله مسأله انحطاط جامعه‌های اسلامی را مطرح میکند ولی پاسخ به پرسش طرح شده را - گرچه خواننده از محتوای آن می‌فهمد - بطور روشن و منظم و محکم در بحث خود نمی‌آورد .

* - مقاله حاضر ، کمی تفاوت ، در پیش صورت دو مقاله بانگلیسی چاپ گردیده و در شماره‌های ۵ و ۶ این یادداشتها به آنها اشاره شده است . از دکتر آلبرت قدسی زاده که در فراهم کردن این مقاله مرا تشویق کرد ، و از دانشمندان معظم آقای عبدالحسین حائری ، رئیس اداره بررسی و تحقیق مجلس شورای ملی که راهنماییهای ارزنده و سازنده‌ای در رفع نقائص این مقاله نسبت باین نویسنده انجام دادند بسیار سپاسگزارم .

۱ - عنوان این کتاب صورتهای گوناگون چاپ شده از جمله نیجریه یا ناتورالیسم .

این کتاب نخستین بار در سنه ۱۸۸۱ چاپ شد . بعدها بزبانهای دیگر اسلامی مانند عربی ، اردو ، ترکی و زبانهای عربی مانند انگلیسی و فرانسه برگردانیده شده است .

۲ - سید جمال‌الدین ، مقالات جمالیه ، به تصحیح میرزا لطف‌اله خان اسدآبادی

(تهران ، ۱۳۱۲ شمسی) ، صفحات ۱۶۴ - ۱۷۰

۳ - همان نویسنده ، اسلام و علم به ضمیمه رساله قضا و قدر به تصحیح و ترجمه

سید جمال‌الدین ، (تهران ، ۱۳۴۸ شمسی) ، صفحات ۱۸۷ - ۱۷۰

در مسافرت مطالعاتی خود بایران در تابستان سال ۱۳۲۹ شمسی این مطلب را به تحقیقات بیشتر و سرانجام به بدست آوردن آگاهیهای گوناگونی رهبری کرد.

این نکته روشن است که تنها منبعی که از روی آن رساله افغانی چندبار تجدید چاپ و یا مدرک ترجمه بزبانهای دیگر قرار گرفته همانا مجله تذکر است که ما نمیدانیم مدیرآن از کجآن رساله را بدست آورده بوده است. ولی بررسی‌های اخیر ما نشان میدهد که مجله یاد شده رساله افغانی را بطور کامل و تمام چاپ نکرده بلکه صورت کامل آن رساله در روزنامه حبل‌المتین (۱۶ و ۲۰ مه ۱۹۰۷ / ۷ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵) ، در حدود ۱۶ سال پیش از چاپ در مجله تذکر در تهران انتشار یافته بوده است. در سال ۱۸۸۴ یعنی ۲۳ سال پیش از انتشارش در حبل‌المتین ، یک متن کامل عربی از رساله افغانی زیر عنوان " سنن‌الہ فی الامم و تطبیقها علی المسلمین " در مجله العروة الوثقی که وسیله افغانی و شیخ محمد عبده در پاریس اداره میشد چاپ گردید^۶. بدین ترتیب چنین بنظر میرسد که آن دو نفر - حسین زبده و لطف‌اله‌خان - جمع‌آوری کننده مقالات جمالیه - که رساله را تجدید چاپ کردند از چاپ متن کامل رساله افغانی بعربی و یا بفارسی اطلاع نداشتند. حتی پژوهش‌گران بعدی توجهی باین مسأله نکردند که رساله چاپ شده در مجله تذکر و کتاب مقالات جمالیه تنها بخشی از رساله اصلی افغانی است که فارسیش در روزنامه حبل‌المتین و عربی آن در مجله العروة الوثقی در پیش بجاب رسیده بوده است.

یکی از نکاتی که باید بررسی شود این است که آیا این رساله یکی از سخنرانی‌های سید و یا از رساله‌های نوشته شده بخامه خود او میباشد. در بخش دوم ، اشاره‌ای است که احتمال نوشته شدن آنرا وسیله خود افغانی قوی میکند زیرا افغانی از خود بعنوان " نویسنده " نام می برد. این کاملاً " عاقلانه بنظر میرسد که بپذیریم که افغانی آنرا در آغاز بفارسی نوشته و سپس شیخ محمد عبده آنرا به عربی ترجمه و یا نقل به معنی کرده است ، زیرا افغانی ایرانی و فارسی زبان و در نتیجه نوشتن بفارسی برای او آسان‌تر از

۶ - افغانی و عبده ، العروة الوثقی (ماجره ، ۱۹۵۷) ، صفحات ۱۲۸ - ۱۳۳ ، من فارسی بخش حدامانده این رساله همراه با ترجمه انگلیسی آن وسیله نویسنده حاضر با این ویژه‌گی‌ها چاپ شده است :

Abdul-Hadi Hairi. "Afghani on the Decline of Islam : A Postscript", Die Welt des Islams, XV(1973), 116-128.

عربی بوده‌است. گرچه معلومات عربی او مورد تردید کسی نمیتوانست قرار گیرد. داستانی که محمد رشیدرضا در این مورد می‌آورد، گرچه تا حدی مبالغه‌آمیز بنظر میرسد، این نکته را ناپدید میکند. رشیدرضا میگوید که شیخ محمد عبده به شکیب ارسلان گفته بود که اندیشه‌هایی که در مجله العروة الوثقی آمده متعلق به سید جمال‌الدین بوده عبده ایدا" در آن سرکت نداشت ولی مطالب آن مجله وسیله عبده بعربی انشاء گردیده افغانی اصلا" در نهیه حتی یک کلمه اش دخالت و همکاری نداشته است^۷. چنین بنظر میرسد که رشیدرضا کاملا" بدرستی این گفته که به عبده نسبت داده شده اعتماد داشته است، زیرا این نکته را دیگر بار با ربط دادن محبوبیت العروة الوثقی باینکه آن مجله دارای "افسکار الجمالیه" و "العبارات العبدیه" بوده ناپدید و ناپدید میکند^۸.

گرچه ما گزارش رشیدرضا را برای ناپدید نکته طرح شده خودمان در مورد زبانی که مورد استناد افغانی بوده در اینجا آوردیم، این گزارش نمیتواند بصورت کامل آن مورد بدیش ما قرار گیرد. این درست خواهد بود که باور کنیم که عبده وظیفه انشاء عربی مجله را تنها بخاطر دست توانائیش در زبان و ادب عربی بعهده گرفت. ولی مقابله‌ای که نویسنده حاضر از دو متن عربی و فارسی کرده نشان میدهد که گرچه مطالب مندرج از نظر موضوع دارای ویژهگی‌های همانند است کار نویسنده عربی رساله، شیخ محمد عبده صرفا" محدود به انشاء و جمله بندی عربی، آنطور که رشیدرضا میگوید، نبوده است. با خواندن هر دو متن میتوانیم برخی از اندیشه‌هایی را که تنها در متن عربی یافته میشود بعبده نسبت دهیم. متن فارسی رساله بلندتر و تقریبا" دو برابر متن عربی است. با وجود این، در متن عربی چند یک از آیات قرآنی آمده است که در متن فارسی دیده نمیشود^۹. از سوی دیگر، چند آیه از قرآن و عبارتهایی از حدیث در متن فارسی وجود دارد که در متن عربی یافته نمیشود^{۱۰}. تفاوت‌های دیگری نیز میان این دو متن فارسی و عربی هست که نشان دهنده تفاوت بودن منابع اطلاعات هر دو نویسنده میباشد؛ برای نمونه، جمعیت مسلمانان دنیا را متن فارسی "زیاده از ششصد کرور"^{۱۱}

۷ - سید محمد رشیدرضا، تاریخ الاستاد الامام الشیخ محمد عبده (قاهره، ۱۹۳۱)

جلد ۱، صفحه ۲۸۹.

۸ - همانجا، جلد ۱، صفحه ۳۰۴.

۹ - العروة الوثقی، صفحه ۱۲۸.

۱۰ - مقالات جمالیه، صفحات ۱۶۶ - ۱۷۶.

۱۱ - همانجا، صفحه ۱۶۸.

و متن عربی "زهاء اربعمائه ملیون" ۱۲ بدست می‌دهد. لازم بیادآوری است که بخش نخستین متن فارسی که تاکنون بعنوان رساله کامل از افغانی نقل شده به متن عربی آن نزدیک‌تر است، ولی بخش دوم که در حیل المئین در سال ۱۹۰۷ (۱۳۲۵ هجری قمری) چاپ شده بیشترنقل به معنی و تفسیربنظر میرسد. مترجم و یا نقل به معنی کننده عربی رساله یعنی عبده در موردی خطاب به مردم به عنوان "یا اهل القرآن" میکند در حالیکه چنین خطابی در متن فارسی دیده نمی‌شود^{۱۳}. ولی هر دو نویسنده با آوردن یک آیه از قرآن (آیه ۱۷ از سوره ۱۸) گفتار خود را پایان می‌دهند.

اکنون این پرسش پیش می‌آید: آیا این منطقی هست که سرگذشت این رساله را در مورد نوشته شدن آن بدو زبان بنتمام مقالاتی که در العروة الوثقی چاپ شده است بسط دهیم؟ بسخن دیگر، آیا میتوانیم فرض کنیم که مندرجات آن مجله، عربی از نظر کلی ترجمه و نقل به معنایی بوده که عبده از اصل فارسی نوشته‌های افغانی میکرده است؟ اگر پاسخ مثبت است آیا اصل فارسی دیگر مقالات العروة الوثقی کجا است؟

نکته‌ای که در این رساله مهم بنظر میرسد این است که افغانی شیوه یک مسلمان پارسا وفداکار را بکار میبرد و نظراتش برابر با باورهای مذهبی کلی همه مسلمانان میباشد. در اینجا افغانی اسلام را بالاترین کیش‌ها و قرآن را بهترین راهنما و راهبر همیشگی جامعه بشریت دانسته است. او میگوید که خداوند وعده افتخار، شکر، حمایت، پیروزی و قدرت بمسلمانان داده است. افغانی بحث میکند که علت اینکه عربهای بی تجهیزات آنهمه نیرو و عظمت در خلال آمدت کوتاه بدست آوردند این بود که آنان با خدا بودند و به پیمان خود با او وفادار ماندند و بنابراین خداوند در این جهان بدانها مزد داد و مزد دیگری هم در دنیای دیگر می‌دهد. افغانی ناتوانی و بدبختی‌های مسلمانان هم‌زمان خود را و رنجی که آنان از استعمارگران بویژه روسیه و انگلستان میکشیدند مطرح و اظهار ناسف کرده میگوید که جمعیت مسلمانان در زمان او ۲ هزار برابر مسلمانان آغاز اسلام بوده است در حالیکه آنها آنقدر بزرگ و نیرومند بودند و اینها این همه دلیل و ناتوان. سرانجام می‌پرسد که علت این ناتوانی و سیه بختی چیست.

پاسخ این پرسش در پایان بخش نخستین رساله بصورتی مبهم و در بخش دوم بشیوه‌ای روشن و گویا آمده است ولی از محتوای همان بخش نخست پاسخ آن چنین فهمیده میشود: بقیه در صفحه ۲۴

حتی یغیرو ما بانفسیم (خداوند سرنوشت مردمی را دگرگون نمیسازد مگر آنکه خود آنچه دارند دگرگون سازند . سوره ۱۳ ، آیه ۱۱) را می‌آورد .

نکته: جالب در اینجا این است که افغانی برخلاف برخی از نوشته‌های دیگرش مانند پاسخ او به ارنست رنان (Ernest Renan) ۱۴ نه سفارش میکند که مسلمانان دانش و تکنولوژی باختر زمین را بیاموزند و نه از دانشمندان و پیشوایان اسلامی بعنوان عامل مهم عقب ماندگی مسلمانان انتقاد میکند . علاوه بر این در برخی از رساله‌های دیگرش تنها انگلستان را حکومتی استعمارگر و ستمکار میخواند که بر مسلمانان حکومت و تسلط دارد ۱۵ . ولسی در این رساله کشورهای دیگر مانند هلند ، روسیه ، فرانسه و حتی چین را نیز بعنوان کشورهای استعمارگر در کنار انگلستان قرار میدهد .

۱۲ - افغانی ، اسلام و علم ، صفحات ۱۵ - ۷۶ . (ناتمام)

15-Alert I-Kudsi-Zadeh, "Les idées d'afghanl sur la Politipui
_Coloniale des Anglais, des Francias et des Russes' Orient, nq.
-47-48(1968), 197 - 206

سخن ابوریحان بیرونی دانشمند بی نظیر ایرانی ملقب بمعلم ثانی به حکیم بزرگوار شیخ
الرئیس ابوعلی سینا .

مباحثه ابوعلی سینا و ابوریحان در باب ماهیت نور و کیفیت انتشار نور بحث مهمی است
که از لحاظ تازگی گوئی هردو در عصر اتم زندگی میکنند - این بحث فیزیکی بسیار جالب
و بصورت سوال و جواب است - ابوریحان که فهم و ادراک ابوعلی سینا را کمتر از خود میدید
ویرای جوان خطاب کرد و ابوعلی سینا ابوریحان را مردی دانا ولی خود خواه میخواند -
کار این مباحثه بدشمنی و کینه منتهی شد .

۸۹ - " نمیتوانم عشق ترا بپذیرم زمانی ترا دوست میداشتم و حالاهم دوست دارم ولی نه
باعشق مجازی زیرا اکنون ازدواج کرده‌ام و بیمان زناشویی که باشوهرم بسته‌ام وفادارم "

سخن ناتیا نا دختر دهاتی روسی به یرنس اوژن اونگین (بروایت الکساندر پوشکین در
کتاب مشهورش بنام اوژن اونگین -)

اهمیت این سخن در این است اوژن اونگین که از مردان فئودال قرن هیجدهم روسیه است
و جز شهوترانی و خوش گذرانی با دسترنج کشاورزان فقیر کاری دیگر ندارد . برای نخستین
بار از دختری که در روستا او را می‌شناخت و از لحاظ اجتماعی برای او ارزشی قائل نبود
چنین سخنی شنید که در حقیقت شکست فئودالیت و مظاهر کثیف آن در برابر عفت و پاکدامنی
بود - ناسیانا با این سخن که نمودار پایداری در برابر شهوت بود خودکامی و پستی و
لاابالیگری مردان مفت خور روسی را درهم شکست .